

- حیات زوجیت -

از پیوستگی دو فرد زوجی پدید آید و افظ زوج بر هر يك از آنها گفته شود و تحقق زوجیت در هر يك بسته بوجود دیگری است و در واقع این دو فرد يك حقیقتند که در دو صورت آشکار گردیده و يك جانتند که بدو کالبد دمیده و يك بنا اند که بر دو پایه استوار گشته و امت و ملت نیز همین گروه زن و مردند که از اثر زوجیت پیدا شده و زندگی آنها هم وابسته بحیات زوجیت است اینک اگر خانوادهائی که در نتیجه این زوجیت بدست آمده دارای يك زندگی دلپسند باشند هر آینه افراد زنده از آن بوجود آید که خود نیز بتاسیس وتشکیل خانوادهای زنده دیگر موفق گردند و از مجموع آنها ملتی خوشبخت با حیاتی گوارا تولید گردد

فطرت بشری انسان را بطرف زوجیت با تمام معنی میراند و هر مردی را باز دواج با زنی وادار و زن را بقبول این پیوند ناچار میکند دلها را بهم مربوط و نفسها را بهم در آمیزد و مصالحشان را یکی میسازد و نزدیکی میان این دو را از تمام نزدیکی هائی که در گیتی ممکن است میان دو نفر اتفاق افتد نزدیکتر میگرداند تا باندازه که از هر اضطراب و نااملائی بهم پناه برده آرامش و آسایش مییابند

و همین دوستی و یگانگی است که سبب بهم پیوستن دو خانواده
 میگردد بطوریکه در یستی و بلندبهای روزگار یار و غمخوار یکدیگر
 میباشند و باز همین فطرت است که حس شفقت را در نهاد آن دو جنبانیمه
 پرورش نوزادگان خود و ادارشان میسازد اما در انسان قوه یافت شود
 که با آن میتواند در میل فطری تصرف نموده آنرا از راه راست
 برگرداند و در میان پیاپانهای بی پایان سرگردانش سازد و بهمین جهت
 از دیرزمانی که تاریخ آغاز آن را نشان نمیدهد مردان به حقوق
 زنان دست درازی مینموده آنانرا به مکر و فریب و دروغ و ساختگی
 و دوروشی و ادار میساختند و سبب بدبختی خود و آنها می گشتند
 و از بی این بدبختی احوال فرزندان و خانوادهها منحرف و در دنیالشی
 روزگار ام و ملایکه از آن خانوادهها تشکیل مییافت تباه میگردد در
 خلال این احوال لازم میشد که آفتاب دیانتی بر تو افکن گشته
 کمگشتگان وادی گمراهی را بسوی فطرت و شاهراه هدایت راند
 در بیغ که مردم همانطوریکه برخلاف فطرت رفتار مینمایند قوا بین
 ستوده ادیان را نیز چندان وقر واهمیتی نهاده اغلب تعالیم آنرا در
 پیوته فراموشی و اجمال میگذارند.

مردان برای بی بردن به برتری خود نسبت بزنان و نیازمندی ایشان

سوی مردان بی‌وسه خود را برای پایمال ساختن حقوق آنان آماده می‌سازند و گمان می‌کنند که خود آقا و سرور و زنان زود خریدشان بیابند و این گمان سبب فساد نوع بشر گردیده و اگر چنانچه احساسات دیگری که عبارت از نیازمندی مرد بزن باشد با حس نخستین روبرو نمیشد هر آینه بدبختی بیشتر و زحمت زیاده‌تر بود و در هر حال واجب است که عقل پرورش دهند این احساسات و خیالات بی‌سروته گردد و مؤید افکاری باشد که آنرا به نیکی سوق دهد ولی ممکن است که عقل نیز دچار خطای عقیده گردد و از راه راست کج شود و این عقیده را که باید بازن هر طور یک میلی دارد رفتار کند بکار بندد. سعادت زوجیت هنگامی بدست آید که گمان مردان درباره زنان بصحت پیوندد و ایشان را نیمی از حقیقت انسانیت و خود را نیم دیگر آن دانند و هر یک متمم و مکمل دیگری باشند. پس بنا بر اینکه زوجیت بر این شالوده استوار گردد پایه ملتی که از یک جنین ازدواجی گذارده شود متین و محکم خواهد بود و برعکس اگر احساسات قلبی و اعتقاد عقلی یک ملت تباہ گشت پیمان زوجیت که محکم فطرت بیوسته بود از هم بگسلد بعدیکه معامله ازدواج چون معامله بازرگانان و سوداگران شود.

واجب‌تر از هر چیز معامله کردن ایندرد است که پرا کند گیش در میان هرامتی حکم انتشار و باه مهلکی را دارد که با وجود آن چهره زیبای رستکاری آشکار نگردد چه کسیکه حقوق نزدیکترین اشخاص را که متمم معنی و حقیقت وی میباشد و بنا بر قانون فطرت بسمت محبتش رانده شده پایمال هوسرانی خود کند در پرداخت حقوق دیگران چه امپدی باقی خواهد ماند و در صورتیکه بگان بگان ملت خود را با بقای حقوق عمومی

و خصوصاً مکلف ندانند چنان ممکن است که در جلو کبری از زیانها و جلب بهره ها متحد گردند و در انجام مصالح خویش کمک و همراهی نمایند معالجه امراض نفسانی دشوارتر از مداوای مرضهای بدنی است و

شناختن راه علاج آن نیز پوشیده تر میباشد.

نفس مریض علاج پذیر نیست مگر آنکه عقل و قلب متفقا اصلاح

شود و راه اصلاحش بدینقسم است که یعنی زوجیت را به عقل آموخت و

موقعیت هر يك از دوزوج را نسبت بهم فهمانید و قلب و وجدان را نیز

پرورش داد تا اینکه وجدان فکر را معتقد گرداند باینکه تحقق معنی

زوجیت و ناچار بودن هر يك از زوجین در اداء حقوق دیگری ازارگان

خوشبختی است و وجود آن همانا وابسته بر سوخ این عقیده است و پس

زوجینی که همکانت زوجیت دانا و آشنا باشند و وجوب مساوات را در همه

کارها (مگر ریاست خانه و قیله) لازم دانند هر آینه زادگان خویش را

بر این روش پرورش داده سعادتتی که از آنان در زندگانی از دست شده

تلافی خواهند نمود. خلاصه نخستین رکن حیات زوجیت آرامش هر يك

از دوزوج است نزد دیگری چه ناملازمات و واجبهای دوره زندگی بسی

فراوان است و هیچ چیز باعث اختراع این همه بازیچهها و تفریحات نشده

مگر همین ناملازمتهای جانکاه طاقتفرسا که شخص بتواند اوسهله از

صدمات خود کم نماید و گرنه بازی شایسته کودکان خرد سال است

نه سزاوار مردان کار و در صورتیکه زوجیت تمام معنی پیدا آید

چگونه میشود هنگام پناه بردن هر يك از زوجین بدیگری بریشان حالی

ایمان بارامش و آسایش برنگردد.

ترجمه از مجلات عربی